

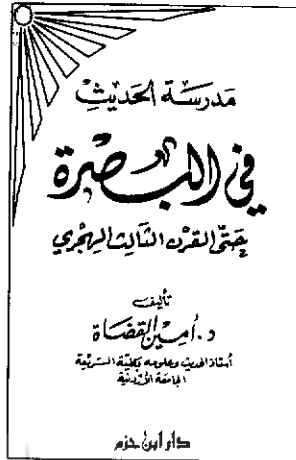


# پژوهش‌های حدیثی

## در بصره

## تا قرن سوم هجری

مهدی هوشمند



مدرسة الحديث في البصرة حتى القرن الثالث الهجري، امين القضاة، بيروت،

دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م، ۶۷۲ ص، اول، وزیری.

بصره در زبان عربی به سنگ سستی گفته می‌شود که در آن، لکه‌های سفید به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> گفته شده که علت نامگذاری بصره به این اسم، مست بودن اکثر زمین‌های آن جاست.<sup>۲</sup>

۱. بعضی نیز می‌گویند هنگامی که مسلمان‌ها وارد بصره شدند و چشمشان به ریگزارهای آن افتاد، گفتند: «این زمین، بصره است»، و این نام بر روی آن شهر باقی ماند.<sup>۳</sup>
۲. ر. ک: لسان العرب، ج ۵، ص ۱۳۳.
۳. معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواقع، البکری، ج ۱، ص ۲۵۴.
۴. معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۳۰.
۵. همان.



بیشتر مورد توجه مورخان بوده است.

کتاب *مدرسه الحدیث فی البصره*، با الهام گرفتن از کتاب های سیره و تاریخ، به گوشه ای از تاریخ حدیث، حدیث پژوهی و مدارس حدیثی پرداخته و به نقد و بررسی پایگاه تمدن اسلام و نشر احادیث اسلامی در این شهر، همت گماشته است، ضمن آن که موقعیت حدیث و حدیث پژوهی را در بصره، به تفصیل شرح داده است.

این کتاب، رساله دکتری دکتر امین القضاة، استاد علوم حدیث در دانشگاه اردن است که رتبه دکتری خود را از دانشگاه اصول دین الأزهر اخذ نموده است. او در این رساله، همت خود را مصروف شرح و بسط چگونگی سیر و تحول یکی از شاخه های علوم اسلامی، یعنی حدیث و حدیث پژوهی در قرن سوم هجری داشته است. محور بحث نویسنده، مدارس حدیثی بصره در آن برهه از تاریخ است. او

۵. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۵۹۰؛ معجم البلدان،

ج ۱، ص ۴۳۰؛ فتوح البلدان، ص ۴۲۵.

۶. الامامة والسياسة، ابن قتیبة، ج ۱، ص

مورخان بر این نکته، اتفاق نظر دارند که بصره در سال چهاردهم هجری پایه گذاری شد و فتح آن به دست عتبه بن غزوان و به دستور عمر بن خطاب صورت گرفت.<sup>۵</sup> گفته شده که همراه عتبه بن غزوان، دوستان و هفتاد نفر از صحابیان و تابعیان، وارد این شهر شدند که این تعداد در زمان امیر مؤمنان (ع) به شش هزار نفر رسید.<sup>۶</sup> برخی چند نکته را علت ازدیاد سریع جمعیت در بصره دانسته اند:

الف. موقعیت تجاری بصره و ارتباط آن با هندوچین؛

ب. انجام اصلاحات متعددی که توسط حاکمان آن (مخصوصاً امویان) صورت گرفت؛

ج. ورود غنیمت های جنگی و اموالی که به عنوان جزیه گرفته می شد و بین سپاه مسلمانان تقسیم می گردید؛

د. ورود سیاحان و جهانگردان غیر عرب و رفت و آمد قبیله های هم جوار.

مجموع این عوامل، باعث ترقی و ازدیاد جمعیت و پیشرفت اسلام در شهر بصره بود. البته علت های دیگری نیز در این امر، دخالت داشته اند، اما علل یاد شده،



مطالب کتاب خود را در چهار باب و یک خاتمه ارائه داده، که هر باب، شامل چند فصل بوده و هر فصل، موضوعی خاص دارد.

باب اول به تاریخ حدیث در بصره و تحولات علمی - مذهبی در این شهر اختصاص دارد و شامل سه فصل است:

فصل اول. تاریخ پیدایش علم در بصره و گرایش مردم به تعلیم علوم مختلف و تحول و رشد علم در زمان های مختلف؛

فصل دوم. طبقه بندی علوم در بصره بر حسب اشتیاق و استقبال مردم و چگونگی استقبال از هر قسم؛

فصل سوم. دلایل گسترش مذاهب فلسفی و اعتقادی در بین مردم بصره و بررسی و نقد افکار و آرای مذهبی آن دوران.

باب دوم کتاب به سه فصل تقسیم شده است:

فصل اول. شرح حال صحابه ای که در بصره رحل اقامت افکنده اند و احادیثی را از پیامبر نقل کرده اند؛

فصل دوم. شرح حال راویان و علمای بصره؛

فصل سوم. فهرست بصریان راویان

کتب سته.

باب سوم کتاب نیز چهار فصل دارد: فصل اول. روش بصریان در بیان حال راوی و جرح و تعدیل، حکم عرضه داشتن حدیث بر عالم، نقل به معنا، برخورد با بدعت گزاران و اخذ حدیث از غیر راوی؛ فصل دوم. تأثیرگذاری مدرسه بصره در تاریخ حدیث اسلامی در نتیجه تلاش علمای بصره در سفرهای پی در پی آنان برای کسب علم حدیث؛

فصل سوم. سندهای حدیثی در بصره؛ فصل چهارم. سیر تحول تألیف و تصنیف کتب حدیثی و علوم حدیث و معرفی معروف ترین مصنفات و مشهورترین نویسندگان اهل حدیث بصره.

از دیدگاه نویسنده، تصنیف های بصریان چهار دسته است:

دسته اول. مسندها، مثل: مسند ابی داود طیالسی و مسند بزّار؛

دسته دوم. کتاب هایی که در شناسایی صحابه تألیف شده است؛

دسته سوم. کتاب های طبقات، مانند: الطبقات الکبری ابن سعد و طبقات

ابن خیاط؛



سپس مشرب علما در حکم عمل به این گونه احادیث بیان گردیده و در پایان اسامی کسانی که ناقل چنین احادیثی هستند آمده است .

### خاتمه

مصنف می گوید :

در خاتمه، نتیجه ای را که از بحث های مطرح شده گرفته می شود، بیان کرده ام و از خداوند خواسته ام که به من توفیق دهد تا بتوانم این کتاب را به خوبی به پایان برم .

### تحوّلات علمی در بصره

ابن خلدون در تاریخ خود در این زمینه می نویسد :

علم و علم آموزی از خصوصیات طبیعی بشر است و از مسلمات است . هر چه سیر صعودی علم بیشتر باشد، آبادی و آبادانی بیشتر است .

او آبادانی علمی شهرهایی چون : بصره، کوفه، بغداد و قرطبه را مرهون اسلام و فتوحات اسلام می داند و بر این عقیده است که بیشترین پیشرفت علمی در

دسته چهارم . کتاب های جرح و تعدیل، مانند : کتاب الملل .

محور بحث در باب چهارم، معرفی مدرسه بصره است که ضمن سه فصل به آن پرداخته شده است :

**فصل اول . در این فصل، انتقادهایی نسبت به مدرسه بصره به دلیل وضع و جعل حدیث در آن شده است . مصنف، علت پیدایش و شیوع وضع حدیث و اقسام آن را بیان می کند و سپس نمونه هایی از آن را در مدرسه حدیثی بصره می نمایاند . در پایان فصل، واضعان حدیث به دو دسته تقسیم شده اند : عده ای که خود متهم به دروغ و وضع حدیث اند، و عده ای که از دیگران احادیث دروغین و ساختگی نقل می کنند .**

**فصل دوم . در این فصل، ابتدا ضمن انتقاد از علمای مدّلس؛ تدلیس و انواع آن تعریف شده و حکم شرعی آن بیان گردیده و در آخر، نیز نام علمای مذمت شده توسط اهل تدلیس آمده است .**

**فصل سوم . انتقاد به نقل احادیث مرسل توسط ناقلان مدرسه بصره موضوع این فصل است . در این فصل، نیز ابتدا مرسل و ارسال تعریف شده،**



صدر اسلام و در این برهه از تاریخ حاصل شده است.<sup>۷</sup>

بصره نیز از این امر مستثنی نبود. همان طور که قبلاً اشاره شد، به لحاظ مهاجرت افراد غیر بومی و عجم ها به بصره و تبادل افکار و آرا بین مردم بصره با سایرین، زمینه گسترش علوم در بصره پدیدار گردید و پایگاهی برای علوم مختلف، خصوصاً علوم اسلامی شد.

از علوم متداول در مناطق اسلامی، علوم قرآنی و قراءت است. مصنف، در این زمینه می نویسد:

قرآن کریم از همان ابتدای ورود اسلام به بصره، در این منطقه، در کانون توجه قرار گرفت. با آمدن بعضی از بزرگان صحابه به بصره، این اشتیاق در مردم پیدا شد و در سال سی ام هجری و ورود قرآن های دست نویس به بصره، این علاقه و پیشرفت به اوج خود رسید.

تفسیر قرآن نیز به جهت اختلاف افکار و عقاید موجود و تفاوت استعدادها و ذهنیات، همیشه مورد توجه بود و همواره کسانی بودند که

مفاهیم صحیح و عمیق قرآن را برای مردم روشن سازند. در این بین، عده ای از صحابه شهرت بیشتری پیدا کردند، که سیوطی نام ده نفر از آنان را یاد می کند و می نویسد: «مشهورترین مفسران صدر اسلام، این ده نفرند: خلفای اربعه، ابن مسعود، ابن عباس، اُبی بن کعب، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و عبدالله بن زبیر».<sup>۸</sup>

سهم بصره از این ده تن، دو نفر بود: یکی عبدالله بن عباس و دیگری ابوموسی اشعری و بعد از آن دو، قتاده از معروفان به شمار می رفت.

### راویان حدیث در بصره

در این قسمت نیز نام برخی از صحابه به چشم می خورد. اینان کسانی بودند که احادیث پیامبر(ص) را به مردم منتقل می نمودند و در واقع، جزئی از سند حدیث به شمار می آمدند. به همین جهت، مردم به شناخت و صحت نقل از

۷. ر.ک: مقدمة ابن خلدون، ص ۴۲۹.

۸. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۷.



حافظ حدیث در بصره می زیستند. گرچه سیوطی در طبقاتش تعداد آنان را هفت صد و پنجاه نفر ذکر کرده، ولی می توان در مقام جمع گفت که در قول اول، تعداد مشهورترین و معروف ترین مد نظر بوده و در قول دوم، همه حافظان را استقصا کرده است.

حافظان حدیث در مدارس حدیثی نقش عمده و به سزایی داشتند. حتی می توان آنان را از اجزای اساسی و بنیادین این مدارس به شمار آورد، به حدی که بعضی آنان را حاملان علم نبوی می نامند و آنان را در توثیق و تعدیل و ترجیح حدیث دخیل می دانند.<sup>۹</sup>

### حافظ حدیث در کلمات علمای رجال

جمال الدین مزی گوید:

حافظ کسی است که اغلب رجال

سند حدیث را بشناسد و از شرح

حال آنان و ترجمه آنان آگاه باشد.<sup>۱۱</sup>

ابن سید الناس در تعریف حافظ می گوید:

در این زمان، محدث به کسی گفته

می شود که کارش روایت و درایت

آنان و احراز عدالت آنان اهتمام بسیاری داشتند. این امر، تقریباً بین علما اجماعی بود و قبل از هر چیز، در سند حدیث عدالت راوی مد نظر قرار می گرفت.

ابن حجر گوید:

از شریف ترین علوم دینی، علم حدیث

نبوی است و مهم ترین امر در باب

شناخت حدیث، تشخیص و تفکیک

صحابی از غیر صحابی است.<sup>۹</sup>

به همین علت، در مباحث علوم

حدیث، بحث از شناخت صحابه از

بحث های اصلی و محوری محسوب

می شد و به همین منظور، نظرات

مختلفی درباره صحابه و تعداد آنان و

عدالت راویان در مدارس حدیثی بصره،

بیش از سایر مسائل چشم گیر بود.

### حافظان حدیث در بصره

پس از شناخت راویان حدیث، آنچه در

درجه بعد اهمیت است، شناخت حافظان

حدیث در بصره است. غرض از بیان

حال این اشخاص نیز یادآوری این امر

است که در بصره تا چه حد به حدیث و

حفظ و نشر آن اهتمام می ورزیده اند. در

قرن سوم، حدود یکصد و بیست و شش

۹. الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۳.

۱۰. ر.ک: طبقات الحفاظ، السیوطی، ص ۱.

۱۱. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴۸.



هر عصر و دوران، علمی است که دائماً در حال تحول و پیشرفت است. لذا برای کسب آن، نیاز به تبادل افکار و آرای علماست. برای به دست آوردن و رسیدن به این مقصد می باید کوچید و علمای بصره بیش از دیگران کوچیدند و برای این کار به سرزمین های دیگر می رفتند و از آرا و نظرهای علمای مناطق دیگر آگاه می شدند.

### روش بصریان در بیان حال راوی

مصنف می نویسد:

بیشتر علمای اهل حدیث در نقل روایت، بیان حال راوی آن حدیث را از جهت قوت و ضعف و صحت و سقم واجب می دانند و علمای بصره نیز از قاعده مستثنا نبودند، به حدی که اگر اعتقاد به وثوق شخصی پیدا نمی کردند، از او نقل حدیث نمی نمودند.

او سپس به این فقره استشهاد می کند که:

روی الخطیب بسنده عن یحیی بن سعید القطان، قال: سألت شعبه و سفیان، و مالک بن انس، و ابن عیینه عن الرجل یتهم فی الحدیث او لا

۱۲. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴۸.

حدیث باشد و بیشتر راویان و روایات را بشناسد. حال، اگر این شناخت توسعه پیدا کرد، به حدی که محدث به شیوخ راوی و شیوخ شیوخ او، طبقه به طبقه علم پیدا نمود، به طوری که بیشتر سلسله راویان آن طبقه را شناخت، او را حافظ گویند.<sup>۱۲</sup>

پس معلوم می شود که حافظ کسی است که سندها و متن های روایات را بشناسد و بر احوال رجال روایات نیز تسلط داشته باشد. بنابراین، راوی حافظ و غیر حافظ تفاوت دارد.

### روش بصریان در علوم حدیث

وقتی به کتاب های مصطلح الحدیث مراجعه می کنیم، به این نکته برمی خوریم که علمای بصره در این زمینه، روشی مخصوص به خود داشته اند، و علت آن هم این بوده که علوم می مانند علم فقه و نحو به لحاظ دارا بودن اصول خاص خود و روش مخصوص در استنباط و استدلال، به صورت قاعده ای ثابت به شیوه پیروی آیندگان از گذشتگان مورد استفاده قرار می گرفتند و می گیرند، ولی علم حدیث به لحاظ متکی بودن به آرا و نظرات علمای



زیرا در این صورت، بسیاری از احادیث مشکوک کنار گذاشته می شود، در حالی که مورد اطمینان بودن آن مشخص نیست. به همین علت، در بصره دو روش مرسوم شده بود: روش افراطی و شدید شعبة به حجاج و یحیی بن سعید قطان و روش متعادل عبدالرحمن بن مهدی و علی بن مدینی.

### تأثیر گذاری بصره در سایر مناطق اسلامی

با دقت نظر در مقدمه بحث و سایر فصل ها و باب های کتاب، نقش بصره در ترویج اسلام و علوم دینی روشن می شود. به لحاظ ارتباطی که علمای بصره با سایر مناطق داشتند، این تأثیر و ناثر چشمگیرتر است. به همین علت، کمتر کتاب حدیثی ای به چشم می خورد که نامی از بصره در آن نباشد و اگر جایی بحث از مدرسه حدیث به میان آید، مدرسه حدیث بصره خودنمایی می کند.

مصنف می نویسد:

علت عمده امر، تلاش شبانه روزی علمای بصره بوده است و به لحاظ اهمیتی که علمای بصره بعد از قرآن نسبت به حدیث احساس می کردند،

یحفظه. قالوا: بین امره للأناس. ۱۳

در ادامه می نویسد:

در بین علما شعبة بن حجاج بیشتر از بقیه بر این امر، مواظبت می نمود و هرگز در برابر اخبار دروغ و ساختگی ساکت نبود، بلکه این سکوت را نوعی جنون می دانست او بر ناقل حدیث واجب می دانست که توان خود را برای جلوگیری از انتشار حدیث متهم به کذب صرف نماید.

### روش بصریان در جرح و تعدیل

در این باب نیز مصنف بر این عقیده است که علمای بصره، بیشتر همشان بر تفحص از علت حدیث بود، به حدی که بعضی از آنان عقیده داشتند که شناخت یک حدیث معلول و مجعول از نوشتن بیست حدیث، پسندیده تر است.

به همین علت آنان در جرح سخت گیر بودند و روایتی را بدون بررسی نقل نمی کردند. علت آن هم این بود که استاد مدرسه حدیث در بصره، یعنی شعبة بن حجاج در این امر بسیار سخت گیر و حساس بود. بعضی نیز کار او را در حد افراط می دانستند و به او طعن می زدند؛





گاهی سفرهای طولانی شبانه برای ترویج حدیث انجام می دادند.

برد. از این مرحله، به عنوان مرحله پیدایش حقیقی تدوین سنت یاد شده است. ۱۴

مرحله چهارم. این مرحله از اواخر قرن دوم تا پایان قرن سوم ادامه داشت. در این دوره، استعداد مصنفان برای درج سخنان پیامبر به مرحله بروز و ظهور رسید و نیاز به احادیث برای استنباط احکام، دریچه تازه ای را به روی مصنفان حدیث گشود.

امتیاز این مرحله نسبت به مرحله قبل در تصنیف احادیث آن بود که در این امر مرحله تصنیفات فقط محدود به حدیث می شد، و اقوال صحابیان و فتاوی تابعیان از آن جدا شده بود. در این دوره، دوره طی می شد:

راه اول. مسند نویسی، یعنی مرتب نمودن احادیث بر حسب راوی؛  
راه دوم. راه و روش تبویب احادیث بر حسب ابواب فقهی.

مصنفات بصریان در آن دوران به چهار دسته تقسیم می شد:

الف. کتب سنن و مسانید؛  
ب. کتب نوشته شده برای شناخت صحابیان؛

۱۴. ر. ک: طبقات الحفاظ، السیوطی، ص ۶۹.

### بصره و تصنیف کتب و مصنفان

مصنف، تدوین سنت و تصنیف علوم حدیث را به چهار مرحله تقسیم نموده است:

مرحله اول. دوران حیات رسول خدا(ص). با ملاحظه تاریخ پی می بریم که این امر بر عهده بعضی از صحابیان بوده است. آنان هرچه از رسول خدا(ص) می شنیدند، یادداشت می کردند و اگر امکان نوشتن نداشتند، آن را به حافظه خود می سپردند.

مرحله دوم. زمان صحابه که بعد از دوران زندگانی پیامبر اکرم(ص) است. البته احادیثی که در آن زمان ثبت و ضبط می شد، عمدتاً مربوط به مقادیر شرعی مانند: ارث، زکات، دیات و... بود.

مرحله سوم. زمان تابعیان. بعضی از بزرگان تابعیان تا نیمه قرن دوم هجری اجازه کتابت حدیث را صادر نمودند و بعضی نیز، خود اقدام به تدوین حدیث کردند. از این دسته، می توان از حسن بصری، ابوالعشاء دارمی، ایوب بن ابی تمیمه سختیانی، معمر بن راشد و... نام



۶. راویان کتب سته به واسطه راویان بسیاری که در بصره بودند، در این شهر، پرورش یافتند.

۷. علمای بصره، به علوم حدیث و جرح و تعدیل و اثر آن در آیندگان اهتمام بسیاری داشتند.

۸. بصره در شهرهای اطراف خود در زمینه حدیث و علوم حدیث تأثیرگذار بود، به طوری که حدیث پژوهان به سوی این شهر سرازیر شدند.

۹. علمای حدیث، به نقد و بررسی سندهای حدیثی و صحت و سقم روایات اهمیت می دادند.

۱۰. اساتید حدیثی کثیری در بصره بودند و علمای شهرهای دیگر برای علم آموزی نزد آنان می آمدند.

۱۱. اسانید حدیثی بصره که در کتب سته آمده صحیح اند.

۱۲. کتاب های بسیاری در بصره خصوصاً در باب علم حدیث تصنیف گردید.

۱۳. شبهاتی که نسبت به مدرسه حدیثی در بصره بود و نیز شبهاتی که در زمینه سندهای حدیثی و متون آن از قبیل ارسال و تدلیس و ضعف راوی به چشم می خورد، مردود است.

ج. کتب طبقات؛

د. کتب جرح و تعدیل و علل.

### نتیجه بحث

مصنف در خاتمه کتاب، مهم ترین نکات موجود در باره مدرسه حدیث در بصره را چند نکته ذکر می کند:

۱. بصره در سه دهه اول، یکی از شهرهای شکوفا، متمدن و سیاسی بود و در صدر اسلام و دوره فتوحات اسلامی شهرت بسزایی داشت.

۲. به همراه حدیث پژوهی که در بصره بود، سایر علوم نیز رشد و تکامل پیدا کرد، ولی اهتمام علما به علم حدیث بیش از سایر علوم بود.

۳. علی رغم وجود مکتب های عقیدتی و فلسفی گوناگون در بصره، علم حدیث رشد و نمود خود را از دست نداده، بلکه بیشتر به بالندگی رسید.

۴. مدرسه بصره به مدرسه حدیثی رسول خدا(ص) به واسطه یکصد و شصت صحابی موجود در بصره متصل بود.

۵. شهرت بصره در بسیاری حفاظ حدیث، دلیل تقدم بصره در زمینه حدیث بر سایر بلاد بود.